

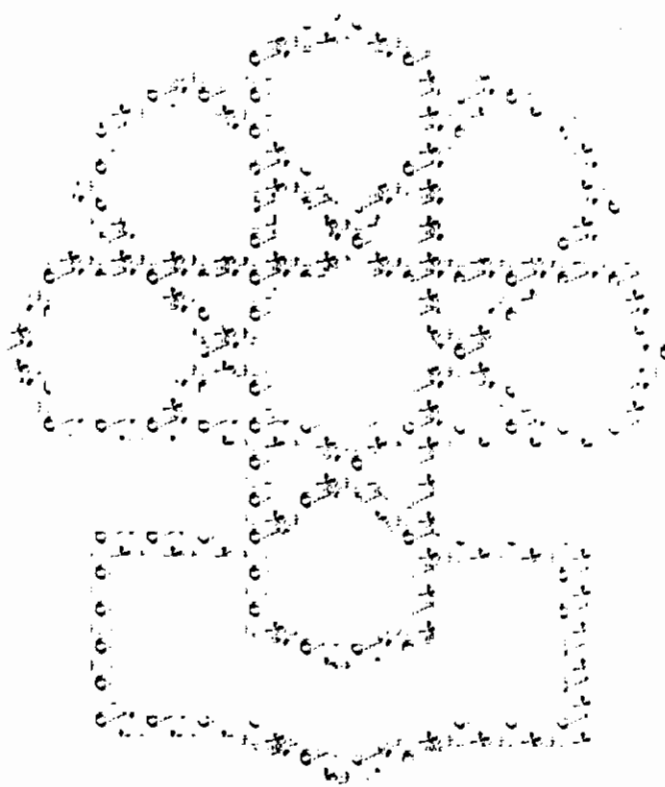
ع، ع، ع



X

گفتاری پیرامون :

# زندگی نامه طبرسی



معاونت پژوهشی  
خرداد ۱۳۷۸

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
 کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی  
 شماره: ۱۴۰۳۹  
 تاریخ: ۷۸/۱/۱۳

کد گزارش: ۴۱۰۴۵۸۹

بسمه تعالی

## گفتاری پیرامون زندگی نامه طبرسی

کد گزارش: ۴۱۰۴۵۸۹

### ۱- تولد

شیخ ابو منصور احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی از اجله فضلا و علمای شیعه در قرن ششم هجری می باشد. زادگاه وی را بسیاری طبرستان یا مازندران امروز گفته اند هرچند بعضی از علما نیز درباره مسقط الرأس او اختلاف داشته و وی را نیز مانند طبرسی صاحب تفسیر اهل تفرش دانسته اند ولی به هر حال بنا بر قول غالب وی نیز مانند شاگردش علامه ابن شهر آشوب ساروی و منسوب به ساری است. در مورد سال وفات او نیز قول مشهور سال ۵۸۸ هجری است.

در ریاض العلماء آمده است که طبرسی صاحب احتجاج با طبرسی بزرگ یعنی صاحب تفسیر مجمع البیان هم عصر بوده اند و احتمال این که قرابت و فامیلی نیز داشته باشند وجود دارد.

### ۲- اساتید

اساتید وی که از آنها نقل روایت می نماید متعدد بوده اند. اعیان الشیعه مشهورترین آنها را سید فاضل و عابد و دانشمند بزرگ ابی جعفر مهدی ابن حرب المرعشی می داند که خود از شاگردان شیخ صدوق بوده است. در امل الآمل نیز سندهای روایتی وی از اساتیدش به همین گونه ذکر گردیده است.

### ۳- شاگردان

بزرگانی نظیر طبرسی در طی دوران زندگی پر بار خویش قطعاً شاگردان بسیاری را پرورش داده اند. در مورد طبرسی نیز هرچند از شاگردان زیادی نام برده نشده اما همین که از شاگردی مانند رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب السروی نام برده می شود خود گویای مقام علمی استادی است که چنین شاگردی را پرورش داده است. همچنین از دیگر شاگردان وی می توان به شیخ منتخب الدین که از معاصرین ابن شهر آشوب است اشاره نمود.

### ۴- تألیفات

ابن شهر آشوب در معالم العلماء تألیفات وی را این گونه ذکر نموده است:

۱- الکافی فی الفقه الحسن؛

۲- الاحتجاج علی اهل اللجاج؛

۳- مفاخر الصابیه؛

۴- تاریخ الانمه (علیهم السلام)؛

۵- فضایل زهرا علیها السلام؛

۶- تاج الموالید در نسب شناسی.

## ۵- نظر علما و بزرگان شیعه درباره وی

بسیاری از بزرگان از معاصران و متأخران وی را عالمی بزرگ و دانشمندی فاضل دانسته و از آرا و اقوال وی استفاده‌های متعدد نموده‌اند. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- نظر ابن شهر آشوب: استادمن احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی از بزرگان فقها و محدث و متکلم بود.

- نظر نویسنده امل الآمل: ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی عالمی بزرگوار و فقیه و محدثی بزرگ بود.

- در ریاض العلماء نیز این‌گونه آمده است: شیخ ابو منصور احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی دانشمند بزرگ و معروف به شیخ طبرسی است که صاحب کتاب احتجاج و بعضی از کتب دیگر است و از بزرگان علما و مشهورترین فضلا است که مجلسی در بحار الانوار از وی روایت می‌کند و کتاب احتجاج وی از کتب معتبره است که اکثر روایات آن مرسل و واردات و اکثر متأخران از این کتاب استفاده نموده‌اند. همچنین شیخ شهید در شرح ارشاد از فتاوی و اقوال وی در باب دیات استفاده نموده است.

- نظر فقیه بحرانی: فاضل دانشمند معروف به شیخ ابی منصور الطبرسی صاحب کتاب احتجاج و کتب دیگر از اجله علما و مشاهیر فضلا است و شیخ شهید در شرح ارشاد از نظر وی استفاده نموده است.

- خوانساری بزرگ درباره وی اینچنین می‌گوید: این مرد «احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی» از بزرگان اصحاب و از معتمدین است و کتاب احتجاج وی از کتب معتبر و معروف بین شیعه است که مشتمل است بر بسیاری از احتجاجات پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام و بلکه بسیاری از صحابه بزرگوار و تعدادی از مخالفان و در خاتمه نیز توفیعات زیادی که از ناحیه امامان معصوم علیهم السلام به اکابر شیعه نوشته و صادر گردیده ذکر شده است.

- صاحب ریحانه الادب نیز در مورد ایشان این‌گونه می‌گوید: شیخ احمد بن علی ابن ابی طالب مکنی به ابی منصور عالم فاضل جلیل فقیه متکلم کامل نسا به و از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و اکابر علمای امامیه اواسط قرن ششم هجری و معاصر با ابو الفتح رازی و فضل به حسن طبرسی و از اساتید و مشایخ ابن منتخب و ابن شهر آشوب بوده است. وی با دو روایت از شیخ طوسی و با چند واسطه دیگر از صدوق روایت می‌نماید و شهید اول در غایه المراد فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند.

## ۶- نگاهی به کتاب احتجاج

کتاب احتجاج از مستندترین کتب روایتی است که به نظر بسیاری از علما اکثر احادیث آن وارد و مرسل است.

نویسنده کتاب در ابتدا دلایل لزوم احتجاج و فرق آن با مجادله را از دیدگاه آیات و روایات بیان می‌دارد و با تقسیم مجادله به دو نوع که جدال احسن و جدال غیر احسن می‌باشد توصیه به جدال احسن می‌نماید و جدال غیر احسن را حرام می‌داند و به ذکر روایاتی می‌پردازد که شیعه را از جدال غیر احسن نهی می‌نماید. سپس به بیان موارد متعدد از احتجاجات قرآنی و احتجاجات رسول گرامی اسلام در مقابله با کفار و اهل کتاب می‌پردازد.

در ادامه با روشی معتدل و با در نظر گرفتن شیوه جدال احسن در کل متن کتاب به بیان مسئله امامت و احتجاجات علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و حضرت فاطمه سلام الله علیها و بعضی از بزرگان صحابه در

این زمینه می‌پردازد.

آنگاه به ترتیب احتجاجات موجود و صحیح منقول از امامان علیهم السلام را در مورد مسائل مختلف ذکر نموده است و در نهایت به تعدادی از نامه‌ها و توقیعات شریف که از ناحیه مقدسه امامان علیهم السلام به اکابر اصحاب صادر شده است می‌پردازد.

#### ۷- درس‌هایی از کتاب احتجاج

کتاب احتجاج به گفته خود مؤلف در زمانی نوشته شده که بسیاری از علما شیوه مباحثه را ترک کرده و به خاطر آلوده نشدن به امر جدال از بحث کردن عدول نموده‌اند.

نویسنده احتجاج با تقسیم انواع بحث به دو نوع جدال احسن و جدال غیر احسن نکات علمی و اخلاقی فراوانی را مطرح می‌نماید. وی ضمن توضیح دادن نوع مباحثه مفید و به اصطلاح جدال احسن، وجوب و لزوم آن را با توسل به آیات و روایات ذکر می‌نماید. از جمله آیات:

«ادع الی سبیل ربک بالحکمه و المواعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» النحل ۱۲۵

و همچنین:

«ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن» عنکبوت ۴۶

این مباحث می‌تواند الگوی خوبی در مسائل و مشکلات این دوره و تمامی اعصار و قرون باشد. اگر به پیرامون خود بنگریم و بحث‌ها و مطالبی که در جراید و سایر رسانه‌ها طرح می‌شود نظر کنیم خواهیم دید مشکل عمدتاً زمانی پیش می‌آید که اصول جدال احسن رعایت نمی‌گردد.

طبری در لزوم احتجاج و تعیین جایگاه احتجاج کننده به مطالب بلندی اشاره دارد. او می‌گوید: جایگاه نبی و ائمه در بیشتر مناظرات، جایگاه معلمی برجسته و مرشدی ناصح است که بر قدرت بیان و استدلال و نیکویی رأی و خردمندی تکیه دارد، نه بر نبی بودن و این که بر او وحی می‌شود یا وصی و قائم مقام نبی است و اگر چنین موضعی اتخاذ نمی‌شد مناظرات به نتیجه نمی‌رسید و نافرجام می‌ماند و دلیل روشن این مطلب اعتماد بر مضمون و محتوی حدیث و روایت به طور جداگانه از صحت استناد به معصوم است.

ثانیاً باید طرفین بحث نسبت به هم قصد ارشاد و نصیحت داشته باشند و در آخر این که در فضای دوستی و مهربانی انجام پذیرد که در این فضا امکان اثر نمودن مطالب حق در قلوب بسیار بیشتر است. نکته جالبی را قرآن در ارتباط با کل مسئله ارشاد و هدایت و بحث و گفتگو مطرح می‌نماید. خداوند به حضرت موسی (ع) و هارون امر می‌فرماید وقتی که می‌خواهی با فرعون بحث کنی:

«قول له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی».

با او به زبان ملایم و نرم صحبت کنید شاید که او به حق معترف شود یا خشیت حق او را فراگیرد. حال به مسائل زمان خویش برگردیم. اگر درست و واقع بینانه به مسائل و مباحث جاری بنگریم خواهیم دید که اکثر مشکلات و مسائل و اختلافات جناحی و دسته‌ای و خطی مربوط به این است که این چند مورد رعایت نمی‌شود.

بارها و بارها رهبر معظم انقلاب و مسئولان نظام از بحث‌های نظری استقبال کرده‌اند. لذا مباحث نظری و آنچه که امروز به اصطلاح «گفتمان اندیشه‌ها» نامیده می‌شود. امری مثبت و محترم است.

اما باید دید که آیا تمام آنها که می‌نویسند و می‌گویند و بحث و مناظره می‌کنند واقعاً روش‌شان جدال به احسن است؟ و از گفتگو هدف‌شان ارشاد و رفع ابهام است؟ و آیا نسبت به همدیگر حالت ناصح مشفق را دارند؟ و آیا در گفتگو از رفق و مدارا و کلام این استفاده می‌کنند یا نه؟

نکته دیگری که مؤلف بزرگوار کتاب در مورد بحث و مناظره مطرح می‌نماید و البته از قول و به استناد کلام ائمه معصومین است مسئله پرهیز افراد ضعیف و غیرآگاه و افرادی که تسلط علمی بر مطالب ندارند از مناظره است. البته این نکته را می‌توان از آیات قرآن نیز مستفاد نمود که: «ولا تقف ما لیس لک به علم». این مطلب هم امروز تبدیل به یکی از مسائل و مشکلات جدی و آفات اساسی بحث و مناظره شده است. همه ما دیده‌ایم که بعضی از جراید و نویسندگان آنها برای این که مطلب خودشان را اثبات کنند و به کرسی بنشانند از هر گونه مطالبی استفاده می‌کنند و به قول معروف آسمان و ریسمان را به هم می‌بافند و اینجا است که خدای ناخواسته وارد تهمت و افترا نیز می‌شوند و با آبروی افراد و شخصیت‌ها و... بازی می‌کنند. از دیگر مطالبی که می‌توان در ارتباط با این کتاب و اصول بحث و مناظره مطرح نمود مسئله ایجاد روحیه حق‌پذیری در افراد است.

چنانکه پیش‌تر ذکر شد هدف اولیه و اساسی از جدال احسن، روشن شدن حقایق و رفع ابهام و پذیرش حق و عمل به آن است و این محقق نمی‌شود مگر این که همه ما روحیه حق‌پذیری را در خود تقویت نماییم و شجاعت این که اگر اشتباه نمودیم اعتراف نماییم و پس از روشن شدن مطلب روش‌مان را تغییر دهیم داشته باشیم.

یکی دیگر از نتایج و مطالبی که از توصیه‌ها و نوشته‌های احتجاج استفاده می‌شود مبحث جدال غیر احسن است. در ضمن مواردی که برای جدال غیر احسن شمرده شده است مطالبی از امام حسن عسکری (ع) است. ایشان در ضمن حدیثی مفصل می‌فرمایند:

«..... فذلک حرام علی شیعتنا ان بصیر و افتنه علی ضعفنا اخوانهم و علی المبطلین».

یعنی حرام است بر شیعیان ما مطالبی را دنبال کنند و اصرار ورزند که باعث ایجاد فتنه در ذهن و فکر برادران ضعیف یعنی آنها که کمتر می‌دانند و به اصطلاح عموم مردم شود.

این نکته مهمی است که باید همگی کسانی که قصد بحث و گفتگو و مناظره دارند رعایت نمایند. به اصطلاح امروز باید سطح مستمعین را با سطح مطالبی که قرار است مطرح شود سنجید و هر مطلبی را در هر جمعی نگفت. بسیاری از مطالب نیاز به مستمعین متخصص دارد.

متأسفانه امروزه بعضی از افراد این خطا را که به صراحت حدیث حرام هم می‌باشد مرتکب می‌شوند و از جراید و رسانه‌هایی که مصرف‌کننده و مستمع عمومی دارد به بحث و نشر بعضی از مطالب و شبهات می‌پردازند که شاید آثار مخرب آن به تعبیر مضمون حدیث در حد فتنه باشد و به هیچ وجه نتوان اثرات آن را از اذهان مردم زدود. حال این که اگر این شبهات در محافل تخصصی مطرح شود جواب داده خواهد شد و بحث و اقناع انجام خواهد گرفت.

کسانی که واقعاً بحث علمی و تحقیق را مدنظر دارند می‌باید مطالب را در جای خود مطرح نمایند. روشن است که مطالب و شبهات علمی باید در محافلی مطرح گردد که مورد بحث صاحب‌نظران قرار گیرد. همان‌طور که این شیوه به روشنگری رفع شبهه و شکوفایی علمی منجر می‌گردد، بحث در غیر مورد موجب شبهه، فتنه و تشویش اذهان عمومی می‌گردد.

در جای دیگر از بحث درباره اموری که فکر بشر به آن نمی‌رسد و موجب سردرگمی و ضلالت می‌شود  
جلوگیری شده است.

از رسول خدا روایت شده است که:

من نصب ا... غرضا للخصومات اوشک ان یکثر الانتقال

یعنی کسی که خدا را هدف مجادلاتش کند، متحول (ارتداد) بسیار نزدیک خواهد شد.

در کتاب اصول کافی در توضیح این حدیث نقلی از مرحوم علامه مجلسی (ره) ذکر شده است بدین  
مضمون که «در ذات خدا وارد بحث و گفتگو نشوید و با یکدیگر ستیزه ننمایید، زیرا عقول و افکار بشر از  
درک آن قاصر است و از این رو همواره از رأیی به رأی دیگر منتقل می‌شود».

از این حدیث نیز به خوبی متوجه محدوده و حصر دیگری برای طرح مسائل فکری در جامعه می‌گردیم.